

عسل در باره تجربه او با اشخاص کلیدی SAMEN. "به من اجازه داده شده است که در اینجا باشم".

این که عسل حالا در هلند زندگی میکند او یک حس جدید ازادی و حمایت را پیدا کرده است. داستان او درباره سختی ها و موفقیت‌هایی است که در هنگام سازگاری با یک کشور جدید، مخصوصاً به صفت یک شخص جوان LHBTIQA+، و اینکه چطور مهسا یک فرد کلیدی SAMEN به او در این مورد کمک کرده است میباشد.



داستان عسل

عسل ۱۸ ساله بود زمانی که سال گذشته به دلیل اینکه او نمی توانست خودش باشد و دیگر در کشور مادری اش محفوظ نبود از ایران به هلند فرار کرد. او در هلند: "آزاد بودن احساس خوبی دارد، زیرا هر زمان که بخواهم می توانم با دوست دخترم باشم. عسل میگوید. "من مجبور نیستم از کسی پنهان شوم. به من اجازه داده شده است تا در اینجا باشم." عسل در اینجا بسیار خوب است، اما آن یک جریان طبیعی نبود. تجربه های او از ایران و مرکز های توقیف که او موقتاً در آن‌ها زندگی کرده است، بر زن ایرانی تأثیر گذاشته است. او برای اینکه بخشی از جامعه هلند شود برای مقابله با آسیب های روحی خود و تقویت حالت روانی خود نیاز به حمایت داشت.

شخص کلیدی مهسا

او این حمایت را با مهسا، شخصی که به صفت یک فرد کلیدی عضو پروژه SAMEN است، پیدا کرده است. افراد کلیدی – یا میانجیگرهای فرهنگی– بین اشخاص تازه وارد و بخش های خدماتی مختلف هلندی رابطه ایجاد می کنند. آنها کمک های فرهنگی حساس و موثر را برای افرادی که به آن نیاز دارند تضمین می کنند.

این دو برای اولین بار از طریق پروژه SAMEN ملاقات کردند. عسل بلافاصله با مهسا احساس امنیت کرد، مخصوصاً به خاطر مراقبت و دلسوزی او: "تمام برخورد او و طریقه گوش دادن او به هر کلمه ای که می گوید، به من احساس امنیت داد." به خاطر این اعتماد، عسل جرات کرد که در مورد مسائل شخصی با مهسا صحبت کند، مانند مشکلاتی که او به صفت یک فرد LHBTIQ+ با اشخاص که در اطراف او هستند تجربه می کند.

اشخاص تازه وارد در یک کشور جدید با سختی های بزرگ عمومی روبرو می شوند. عسل اولین تجربیات خود با سیستم آموزشی هلند را توضیح می دهد، به عنوان مثال می گوید: "در اول من مثل یک بیگانه احساس می کردم. من تنها بودم و اکثر دانش آموزان از من جوانتر بودند،" او به یاد می آورد. "آمدن به یک کشور جدید بدون دانستن زبان آن واقعاً بسیار سخت است. شما دائماً فکر می کنید که مردم درباره شما صحبت می کنند."

حمایت مهسا برای عسل بسیار مهم بود، مخصوصاً در صورت مواجه شدن با قضاوت های دیگران. "مهسا به من یاد داد که از نظریات افرادی که هیچ تأثیری واقعی بر زندگی تان ندارد، نترسید،" عسل می گوید. "اگر آنها مهربان هستند، می توانید با آنها در تماس باشید، اگر نه، راه خود را ادامه دهید."

حمایت مهسا بیشتر از راهنمایی هایی است که از روی احساس با شد. او همچنین به عسل در موارد عملی مانند پروژه های مکتب کمک کرد. عسل می گوید: "سه روز پیش او به من در پروژه مکتب کمک کرد. ما حدود سه ساعت روی آن کار کردیم." کمک مهسا همچنین شامل درک و حل پیچیدگی های یک سیستم آموزشی جدید و روبرو شدن با تفاوت های فرهنگی در مکتب بود.

نگاه به آینده

با نگاهی به آینده، عسل تصمیم دارد که برای خود در هلند یک آینده خوبی بسازد. اهداف او عبارت از قوی کردن زبان هلندی، رفتن به پوهنتون و شروع زندگی با دوست دخترش است.

عسل در فکر رفتن به پوهنتون است. او می گوید: "شاید چیزی مربوط به حقوق زنان و فمینیسم. هنوز در حال تصمیم گیری هستم." تجربیات او به او الهام بخشیده است تا به دیگران که با سختی های مشابه روبرو هستند، کمک کند. او می گوید: "من می خواهم خودم پیشرفت کنم، به افرادی مثل خودم کمک کنم و تغییری ایجاد کنم." "می خواهم آنها را از سختی های شان آزاد کنم."

عسل دیگران را تشویق می کند که قوی بوده و در صورت ضرورت به دنبال کمک بگردند. او توصیه می کند: "در اینجا در هلند، شما آزادی دارید که خودتان باشید. در اینجا اشخاص زیادی علاقمند کمک به شما هستند، بنابراین این به دنبال کمک بگردید و درخواست کمک کنید. ارتباط برقرار کنید و به خودتان کمک کنید که آینده ای بهتر بسازید."

آیا شما در رابطه با خشونت های جنسی و خشونت مربوط به جنسیت تجربه دارید که بخواهید در مورد آن ها صحبت کنید؟ در اینجا می توانید معلومات بیشتری درباره ساعت های مشاوره میانجیگر فرهنگی و متخصصان طبی در سازمان داکتران جهان پیدا کنید.